

هنرینینیک

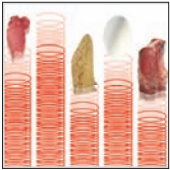
اینفوگرافی جراحی بزرگ ولی خلیلی - آرزو مرادی

۱۴



جهش قیمت‌ها از ابتدای تدوین لایحه هدفمند کردن بارنامه تاکتون

۱۵



ریزه‌کاری‌های طراحی فرش بیجار قدرت‌الله گیچلو

۱۶



روزی روزگاری فرش بیجار علی دانشور

۱۶



فراز و نشیب طراحی فرش بیجار در گفت و گو با استاد علی‌اصغر لک

چراغ فرش بیجار گروس هرروز کم‌سو تر می‌شود



▲ **ابراهیم عبداللرزاده**
Abdollah59@yahoo.com

–جناب آقای استاد علی‌اصغر لک، خوانندگان «شرق» مایل هستند از خودتان برایمان بگوئید:از دوران کودکی و زادگاه‌تان و چگونگی علاقه‌مند شدن‌تان به هنر طراحی فرش.

اینجانب در سال ۱۳۱۰ در روستای رضایآباد بخش چنگ‌الماس شهرستان بیجار گروس به دنیا آمدم. در همان دوران کودکی، علاقه زیادی به نقاشی داشتم و تقریباً تمام اوقاتم را با نقاشی و ساختن مجسمه حیوانات با گل بر می‌کردم. بزرگ‌تر که شدم و در سنین نوجوانی نیز، همان کار نقاشی را روی تخته‌سنگ‌های کوه‌های چنگ‌الماس انجام می‌دادم. به خاطر می‌آورم زمانی که خیلی کوچک بودم، شاید چهار یا پنج‌ساله، مرحوم پدرم برای من یک نقاشی از اسب کشید که من نیز بارها از روی آن نقاشی تمرین کردم و جرقه‌ای برای ورود من به دنیای نقاشی و علاقه‌مندی به ادامه آن شد.

–پس در واقع می‌شود گفت ایشان اولین آموزش‌دهنده شما و تاثیرگذار بر ورودتان به این هنر بوده‌اند. استادان دیگر چطور؟

بله، تا زمانی که در روستا بودم، بیشترین تاثیر را از مرحوم پدرم پذیرفتم. اما زمانی که در ۳۰ سالگی به بیجار آمدم، نزد استاد بزرگ طراحی و نقشه‌کشی فرش، زنده‌یاد استاد موسی مسعودی رفتم و چند ماهی شاگرد وی بودم و بهره‌های زیادی از آن دوره بردم. روان این دو بزرگواران شاد باد.

–با توجه به حضور موثر و چندین‌ساله شما در عرصه طراحی فرش، جایگاه فرش بیجار را در میان سایر جاهایی که به این حرفه مشغول هستند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در چه وضعیتی بوده و هم‌اکنون به چه وضعیتی رسیده است؟

فرش بیجار در گذشته، همپای شهرهای بزرگی نظیر تبریز، اصفهان، کاشان و مشهد در سطح ملی و بین‌المللی مطرح بود. هم تولید فرش در این منطقه زیاد بود و هم اینکه بافت فرش بر اساس نقشه‌های اصل و نیز با استفاده از رنگ‌های گیاهی صورت می‌گرفت. این عوامل باعث شده بود تا روز به روز بر شهرت فرش بیجار افزوده شود. متأسفانه در مقطعی با قطع حمایت دولت از این هنر ملی، زمینه‌ساز استفاده از رنگ‌های شیمیایی و جوهر توسط رنگرزان شد که البته سود خوبی برای آنان داشت، به گونه‌ای که بیشتر شاگردهایی که در رنگرزی‌ها کار می‌کردند، خودشان مغازه باز کردند و به کبی کردن از طرح‌های من مشغول شدند. در حالی که هیچ یک از آنان طراح نبودند. این موضوع و عوامل دیگری باعث شد فرش بیجار رو به افول بگذارد و هم‌اکنون متأسفم که بگویم دیگر صдаیی از فرش اهتین بیجار گروس که در دنیا به استحکام معروف بوده، شنیده نمی‌شود و رکود قابل توجهی را در این زمینه شاهد هستیم. –شما هنگام طراحی آن نقشه‌های چشم‌نواز و دیدنی به چه چیزی فکر می‌کنید؟ نقشه‌های مشهورتان را چگونه طراحی کرده‌اید؟ آیا شباهتی بین نقشه‌هایتان وجود دارد؟

من در موقع طراحی، فقط و فقط به طراحی که در ذهنم است، فکر می‌کنم و در آن لحظات و ساعت‌هایی که به طراحی مشغولم، هیچ چیز دیگری نمی‌تواند ذهنم را مشغول کند. از این روست که در میان صدها و هزاران نقشه‌ای که کشیده‌ام، هیچ کدام از آنها شبیه هم نیستند و هرکدام دارای شخصیتی مستقل و جداگانه هستند. می‌توانم ادعا کنم که در کارگاه من، هیچ کس نمی‌تواند دو نقشه پیدا کند که شبیه هم باشند. شاید به این علت باشد که من معتقدم هنر طراحی باید در ذات طراح باشد و در خون او. آموزش و تمرین نقش خیلی زیادی در این عرصه ندارد و اگر طراح دارای جوهره طراحی نباشد، نخواهد توانست طرح‌های بدیعی بیافریند. شاید بتواند از آثار دیگران کپی‌برداری و تقلید کند، اما خلاقیت هنری نخواهد داشت. من هم هنگام طراحی نقشه‌های فراوانی که کشیده‌ام، همواره اصل نو بودن آن را مد نظر داشته‌ام که از آن جمله می‌توانم به نقشه‌های شکارگاه، دهان ازدر (اسلیمی پیوند) و شاه‌عباسی اشاره کنم.

–علاوه بر طراحی و نقاشی، در طراحی فرش از چه هنرهای دیگری بهره گرفته می‌شود؟

طراح فرش باید هم تا حد زیادی با موسیقی آشنایی داشته باشد و هم با تصویرگری و تصویرسازی. هم الهام‌گیرنده خوبی باشد و هم با رنگ‌آمیزی و نقطه‌زنی آشنایی کافی داشته باشد. ملاحظه فرمودید که کار راحتی نیست و قابلیت‌های زیادی را به همراه علاقه فراوان و تمرین‌های طاقت‌فرسامی طلبد.

–آیا از فرزندان‌تان نیز کسی در این حرفه مشغول به فعالیت هست؟

البته. پسر بزرگم، حمید، هم‌اکنون در این حرفه است. اگرچه من...

–اتفاقاً می‌خواستستم از شما در مورد آینده هنر فرش بیجار بپرسم. شما آینده این هنر را چگونه می‌بینید؟ آیا کسان دیگری را به ورود به این حرفه تشویق می‌کنید؟

من هم می‌خواستم بگویم پسرم نیز چون با این هنر بزرگ شده بود، وارد این عرصه شد وگرنه شرایط و وضعیت فعلی طراحی فرش به گونه‌ای نیست که آدم بخواهد دیگران را تشویق به ورود به آن بکند. اوضاع و احوال فعلی هنر فرش به طور کلی و نیز طراحی فرش، اوضاع مناسبی نیست و این حرفه با خطرات زیادی دست به گریبان است. واقعیت این است که آینده روشن و امیدبخشی را برای این هنر نمی‌بینم. به فرض که من دیگران را تشویق به فعالیت در این هنر کنم! اما کار مناسبی که وجود ندارد. به جای آن همه طرح‌های زیبا و اصل و چشم‌نواز و آرامش‌بخش، هم‌اکنون انواع فرش‌های ماشینی و موکت ... در بازار موجود است که اگرچه لازمه دنیای جدید است، اما باعث بی‌توجهی دست‌اندرکاران به فرش دستباف و گسترش زمینه‌های لازم برای تقویت این هنر و قرار گرفتن آن در جایگاه مناسب و بایسته‌اش شد.

– پس به آینده این هنر خیلی امیدوار نیستید؟ به نظر شما چگونه می‌توان از خاموشی این میراث گرانقدر فرهنگی که در اقتصاد ما هم نقش مهمی داشته، جلوگیری کرد؟ دستگاه‌های مسوول چه کارهایی باید انجام دهند؟

روزگاری بود که به هر کدام از روستاهای

منطقه گروس که می‌رفتید، صدای تارپ تروپ دف قالی بلند بود. من با شنیدن این صدا حس می‌کردم زندگی همه جا جریان دارد ولی امروزه دیگر این گونه نیست. کمتر جایی را پیدا می‌کنید که این حرفه رونقی در آنجا داشته باشد. باور کنید در روستاهایی رفته‌ام که از ۴۰۰- ۳۰۰ خانوار ساکن در آن، حتی کی نفر هم قالی نمی‌بافد و این خیلی ناراحت‌کننده است. در همین همسایگی بیجار در شهر زنجان، زمانی صدها مسگر مشغول

پرچم امپراتوری ماد در نقشه‌های فرش گروس

هنگام تدارک مطالب لازم برای تدوین این پرونده، به نکته جالبی برخوردیم که مناسب دیدم آن را با خوانندگان نیز در میان بگذارم. از معروف‌ترین طرح‌های فرش در بیجار گروس، نقشه «ماهی درهم» (به زبان محلی ماسی درهم) است که خود دارای انواع دیگری همچون ماهی، بیجار، ماهی سسنه، ماهی افشار، ماهی میرک، ماهی ریز و ... است. یکی از کارشناسان فرش بیجار، آقای ابراهیم حتمی، تحلیل بسیار جالب توجهی از این نقشه دارد که در کتاب «بیجار گروس در گذرگاه تاریخ» نوشته محمد مریوانی به چاپ رسیده است. او معتقد است طرح ماهی درهم، همان «ماد»ی درهم بوده است و در واقع ماد‌ی درهم، آرم پرچم دولت ماد بوده است، به

به کار بودند که راسته آنها در بازار این شهر، رونق خیلی زیادی داشت ولی امروزه می‌بینید دیگر از آن شغل خبری نیست و بیشتر آن شاغلان، حرفه خود را عوض کرده‌اند. این دانستان تا حد زیادی برای فرش بیجار هم اتفاق افتاده و متأسفانه باید بگویم حتی دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی هم نتوانسته‌اند کار زیادی برای آموزش آن بکنند. هنرجویانی که امروزه در هنرستان‌های فرش به تعلیم مشغولند، انگیزه لازم را برای این کار ندارند



پژمان موسوی».....<

و انتخاب آنان معمولاً به درستی صورت نمی‌گیرد. در نتیجه بازار کپی‌برداری در این عرصه، خیلی داغ است. به نظر می‌یکی از مهم‌ترین کارهایی که باید در این زمینه صورت بگیرد، فراهم کردن زمینه‌های داخلی و خارجی برای افزایش صادرات این محصول به بازارهای جهانی است که اقتصاد این حرفه تا حد زیادی به آن وابسته است.

ولی شما شاهد هستید که امروزه کشورهای همچون هند، پاکستان، چین، افغانستان، نپال و... حتی با کپی‌برداری و جعل نقشه‌های ایرانی، بازار جهانی این محصول را قبضه کرده‌اند. برطرف کردن این مشکلات نیازمند عزم ملی و اراده‌ای در سطوح بالاتر.

–جناب استاد لک! حتماً در طول سالیان طولانی فعالیت در این عرصه، خاطرات زیادی اندوخته‌اید. از خاطرات‌تان برای خوانندگان روزنامه ما بگوئید.

خاطرات تلخ و شیرین زیادی دارم. روزهایی را به یاد می‌آورم که عمده مشتری‌های ما از کشورهای آمریکا، آلمان، ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی بودند و فرش بیجار چنان رونق و اعتباری آنچه در این روایت تاریخی، جالب به نظر می‌رسد، علاوه بر اینکه نشانگر قدمت بالا و قابل توجه فرشبافی در کهن دیار گروس است، گویای این واقعیت است که مردمان بافرهنگ این منطقه از ایران، همواره مردمانی وطن‌دوست بوده و آن را در هنر و صنایع دستی خود نیز به خوبی و روشنی متجلی ساخته‌اند. توجه به عنصر حیات‌بخش آب نیز در نقشه‌های درهم، شایسته توجه و تامل بسیار است.

●.....< **علی حیدرنیا»**.....<



این هنرمند در نقاشی و نقطه‌زنی دقیق کم‌نظیر و مثال‌زدنی است. در طرح‌های تولیدی خودش مدام تغییراتی در نحوه چین عناصر اعمال می‌کند ولی در کارهایش خلاقیت و نوآوری کمتر دیده می‌شود. ایشان شاگردان مطرح زیادی تعلیم داده که می‌توان به آقایان هادی ساعی و عبسی گیچلو اشاره کرد که از صاحب‌نظران در رشته طراحی و تولید هستند. آقای گیچلو شخصی بسیار فعال و خستگی‌ناپذیر است و در کارآفرینی و ایجاد شغل در این رشته از مفاخر بیجار است. در کار تولید فرش به صورت غیرمتمرکز بسیار استاد و مدیر است. در حال حاضر ۵۰ درصد تولیدات فرش این منطقه به ایشان و فرزندش (هادی ساعی) تعلق دارد. در طراحی صاحب سبک است و از مشخصات بارز آثار وی متن نسبتاً خلوت و متناسب و اجرای گونه‌ای منسوب به دسته کلی است که خاص طراحی‌های اوست. ایشان برگزیده طراحی و نقاشی جشنواره استانی سال ۸۷ هستند.

●.....< **کارشناس فرش**

سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۸ ■ یکشنبه ۱۴ آذر ۱۳۸۹

●.....< **نگاه ۱۵**



قالی ایرانی و معماهای بی‌شمار

تقدیم به استادان لک و گیچلو

قالی اثری هنری و زیبایی‌شناختی است یا وسیله‌ای برای راحت‌تر زیستن؟ آفرینشی است انسانی که تجسم اسطوره، تاریخ و فرهنگ ملت، قوم و مردمی است با هزاران سال سابقه فرهنگ و تمدن که یکی از مجاری نمایاندن خویشتن خویش را در خلق یک اثر هنری به نام قالی برگزیده است یا اینکه راهی و مفری است برای دریافت پولی و درآمدی تا چرخ زندگی با نوسان‌های امروزین بچرخد و از این رهگذر نیازی یا نیازهایی رفع شود؟ شاید هم روشی است تا با به‌کارگیری چند دار قالی و مهیا کردن مواد لازم برای بافت قالی و مشارکت چند جوان روستایی و شهری، چند نیازمند، سرمایه‌ای و ارزشی افزوده شکل گیرد یا سهمی برای فرشبافی و رنجی عاشقانه برای استمرار زندگی و سهامی فزون‌تر برای سرمایه‌گذار؟ فرش دستباف اثری موزه‌ای است یا هنری مردمی برای همه مردم و در هر منزل؟

هر گرهی که بر تار و پود فرشی افزوده می‌شود، نشانی است از معماهای بی‌کران و بی‌شمار زندگی! گروهی بسیار دست‌اندرکارند تا داری بر پا شود، نقشه‌هایی برای فرش طراحی شود، رنگی بر مغز بندها تابیده شود و فرش، گلیم، گلیمچه، قالی یا زیراندازی، با رنگ‌هایی به رنگ زندگی و با نشانی از گذشته‌ای دور، اکنون نامتین و آینده‌ای نامعلوم گسترانیده شود. دخترکان سرزمین من همراه با مادران و گاه برادران‌شان در تلاشند تا همراه نهم نواهای موسیقایی فولکلور خانواده با پنجه‌ها و بند بند انگشتان‌شان و همراه دار قالی با گره‌های بی‌شمار زندگی بیافرینند. آری با گره‌های بی‌شمار هم می‌توان زندگی و زیبایی آفرید! این گره‌های بی در پی با اضافه شدن‌شان هم هنر می‌زایانند، هم زندگی و هم هویت! اگر نبود گره پشت گره، فرشی هم خلق نمی‌شد تا از زندگی، اسطوره، تاریخ و زیبایی سخن بگوید.

برپا کردن دار قالی، برپا کردن دار زندگی و نفیر بلند استمرار تاریخ و گذشته، در حال و آینده است. دار قالی، هنر، زیبایی و رنگ و طرح می‌زایاند، هویت را متکامل می‌کند و خویشتن فرهنگی‌مان را با تمام رنگ و روهایش در زیر پای ما و در برابر چشمان‌مان می‌گستراند. اگر امروز در ایران هزاران هزار تن از ایرانیان با فرشبافی به قیمت کم‌سو شدن نور چشمان‌شان در این وادی پای نهاده‌اند یا هزاران رنگر و نقاش و طراح قالی به همراه تاجر فرش و بازاریاب در وطن و گوشه‌گوشه گیتی از این وادی به معاش‌شان می‌پردازند، همه و همه در این استمرار تاریخی سهیمند. آیا تا به حال برای کم کردن درد و رنج‌های جانکاه قالیبافان و کاستن از بار مشکلات طاقت‌فرسای این گروه بزرگ از ایرانیان، برای دفاع از میراث تاریخی، فرهنگی و هنری فرشبافی ایرانی، برای یادآوری سهم هنرمندان و استادان گراناییه این هنر و ارج نهادن به تمامی تلاش‌ها، زحمات و دغدغه‌هایشان، برای شکوفا کردن اقتصاد فرش و در نتیجه اقتصاد کشور گامی به پیش رانده‌ایم؟!

●.....< **کارشناس فلسفه و مدیر کتابفروشی زنانه**

●.....< **نگاه ۱۶**

شاهرخ پاکزاد».....<



فرش بیجار گروس و فرهنگ ایران

۱- منطقه گروس و مرکز آن بیجار در استان کردستان، همواره جایگاه مهمی در ایران‌دوستی و دفاع از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی ایران‌زمین داشته است. این منطقه در دوران رزیده از مناطق مهم اقتصادی و سیاسی غرب ایران بوده و در دوران قاجار نیز، همیشه در صحنه‌های سیاسی و نظامی کشور فعال بوده است. به گونه‌ای که فوج گروس بارها در جنگ‌های داخلی و خارجی، از استقلال ایران‌زمین دفاع کرده و فداکاری کرده است. وجود شخصیت‌های میهن‌دوست، کاکفایت و خوشنامی همچون حسنعلی خان امیرنظام گروسی، شهید درباردار غلامعلی خان بابندر، سرهنگ نصرت‌الله خان بابندر، استاد شهید مهندس کامران نجات‌اللهی و ده‌ها شخصیت برجسته و ملی دیگر، گواه روشنی بر این موضوع است.

۲- یکی از جلوه‌های زیبا و منحصر به فرد فرهنگ بیجار گروس، فرش این منطقه است. دست‌بافته‌هایی از جنس هنر و از مایه جان. منابع تاریخی، قالیبافی در این منطقه را متعلق به هزاره‌های قبل از میلاد می‌دانند. به طوری که مورخ معروف حسن پیرنیا، قدمت قالیبافی در این منطقه را مربوط به دوران هخامنشیان می‌داند. هم‌اکنون نیز این هنر بی‌مانند، در این منطقه جاری و ساری است و فرش و گلیم بیجار گروس دارای شهرتی جهانیگر و فرامرزی است. مهم‌ترین ویژگی و وجه تمایز این قالی با قالی‌های سایر مناطق کشور، در ساختار متراکم بافت آن است. این قالی به گونه‌ای بافته می‌شود که محصول نهایی، بسیار ضخیم و محکم بوده و از این رو قابل تا کردن نیست. در بافت این قالی، علاوه بر دو بود نیازک معمول در فرش‌بافی، پود محکمی نیز به بافت فرش اضافه می‌شود.

۳- از جمله کسانی که در زمینه فرش بیجار، زحمات زیادی کشیده و خدمات شایانی داشته‌اند، دو استاد معاصر این رشته، آقایان قدرت‌الله گیچلو و علی‌اصغر لک هستند. این دو استاد برجسته که طرح‌ها و نقشه‌های ماندگار و کم‌مانند آنان به فرش‌هایی چشم‌نواز تبدیل شده و هم‌اینک، زینت‌بخش موزه‌ها، خانه‌ها، نمایشگاه‌ها، فروشگاه‌ها و دانشگاه‌های داخل و خارج کشور است، با همتی مثال‌زدنی و هنری کم‌نظیر و ارزنده، نقش‌هایی را قلم زده‌اند که هر بیننده صاحب ذوقی را به تحسین و شگفتی واهی دارد. شکی نیست که ارتقای جایگاه این هنرمندان برنمر و کم‌ادعا، وظیفه نهاده‌ا و دستگاه‌های مسوول، به ویژه نهادهای فرهنگی و هنری است. اما رسانه‌های کشور، از جمله روزنامه‌های سراسری نیز در این میان می‌توانند با معرفی و شناساندن این چهره‌های فروتن، ارزنده و صاحب هنر، نگذارند چراغ هنر طراحی فرش در منطقه کم‌سو شود و جوانان و آیندگان نیز قدر این بزرگوار را بیش از پیش بدانند. البته بسی خوشوقتیم که روزنامه وزین شرق، در این زمینه پیشگام شده و رسالت فرهنگی و ملی خود را به درستی به انجام می‌رساند.

●.....< **دبیر ادبیات فارسی و عضو پیشین شورای شهر بیجار**

●.....< **نگاه ۱۷**



هنرمندان بی‌نام و نشان

هنر چیست، عبارت است از کوشش انسان برای برخوردار شدن از آنچه باید باشد اما نیست، تا هر آنچه را که انسان با او بیگانه است، رنگ آشنایی و تفاهم برزند تا آن را درک کند.

دکتر شریعتی

هنر از دیرباز نزد ایرانیان ارزشمند و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هنرمند مورد تکریم و احترام؛ اما از هنرمندان قالیباف در این وادی باید به عنوان هنرمندان بی‌نام و نشان یاد کرد. استاد کمال‌الملک به دستور رضاشاه تبعید می‌شود. روزی استاد به طرف منزلش به راه می‌افتد و پس از گذشتن از کوچه‌باغ‌های ده به خانه می‌رسد. یارمحمد که در خدمت استاد بود و اوقات فراغت خود را به قالیبافی می‌پرداخت به استاد می‌گوید: استاد بافتن قالیچه به خواست خدا تمام شد و عهد کرده بودم اگر زنده ماندم و قالیچه را تمام، با خاک پای شما تبرک شود، اگرچه این زیرپایی‌شان استادان هنر نیست. استاد نگاهی به تابلوی خود می‌اندازد و سپس قالیچه را نگاه می‌کند و تابلوی خود را از روی بوم برمی‌دارد و به زمین می‌گذارد و با اندوه به یارمحمد می‌گوید: استاد تویی، هنر این فرشه، شاهکار این تابلوست، دریغ همه عمر که یک لحظه به زیر پایم نینداختم، هنر این ذوق گسترده است. شاهکار، اما توسع تن کار من! در خلق اثر هنری دلبستگی ایحاد می‌شود و وقتی دلبستگی پدید آمد وقت تولد می‌یابد.

ادامه در صفحه ۱۶